

## طرح انتزاع، اقتصاد مقاومتی و دشواری‌های تامین امنیت غذایی کشور

### امین مالکی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

جمهوری اسلامی ایران یکی از غنی‌ترین تجربه‌های عصر حاضر را در ایجاد، تغییر و حذف نهادهای توسعه‌ای دارد. منظور از نهاد صرفاً ایجاد یک سازمان، وزارت‌خانه یا دستگاه اجرایی نیست، بلکه در اینجا اشاره به قواعد، هنجارها و فرایندهای اجرایی تصمیمات یک حوزه مشخص اقتصادی دارد که در قالب آن روابط مختلفی در جامعه برای رفع نیازها ایجاد می‌شود. پس از نهادسازی زیربنایی و معجزه‌آسای حضرت امام خمینی (ره) برای انقلاب و در راستای رفع خلاءهای موجود و نهادینه شدن حضور مردم و افکار دینی در جامعه، طی دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی بسته مدیریت اقتصادی در شرایط انقلاب، جنگ و بازسازی، نهادهای مختلفی مانند سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته‌های امداد، بنیاد مسکن و غیره ایجاد شدند و البته تعدادی از آنها نیز با توجه به ضرورت‌های برنامه‌های توسعه‌ای کشور و سلايق مدیران عالی نظام دچار تغییر ماموریت‌های بنیادی شده و یا کلاً از چرخه تصمیم‌سازی اقتصادی کشور حذف شدند.

در بین نهادهای مختلف و متنوعی که از بطن طرح‌های دولت و یا قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی بیرون آمده‌اند، دسته‌ای در حوزه اقتصاد و تجارت قرار می‌گیرند که موضوع نوشتار حاضرند. در حال حاضر با توجه به شرایط اقتصادی بین‌المللی و تحریم‌های ظالمانه، ضرورت دارد تا به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی، مقابله با تحریم‌ها و پایه‌ریزی اقتصاد مقاومتی با کمترین هزینه ممکن، برخی نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد کشور شکل بگیرد. راهبرد اصلی نیز در ایجاد چنین نهادهایی در سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (دام ظلّه‌الشریف) در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام روشن و شفاف بیان شده است. آنجا که فرموده‌اند راه مقابله با فشارهای اقتصادی و اجرای اقتصاد مقاومتی ثبات در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ثبات در آرامش اقتصادی و پرهیز از تغییر ناگهانی قوانین و سیاست‌ها است.

بر این اساس، طراحی مکانیزم‌ها و نهادهای جایگزین در حال حاضر باید با دقت عمل لازم صورت پذیرد تا حداقل بر پیچیدگی‌های وضعیت فعلی افزوده نشود. متأسفانه آنچه از اهداف، سیاست‌ها و روند پیشبرد طرح انتزاع در کشور مشاهده می‌شود، فقدان چنین دقت عملی است. مهمترین هدف طرح انتزاع، تعیین یک متولی مشخص برای ساماندهی بازار محصولات کشاورزی در

مقاطع مختلف سال است. به این معنی که تمامی امور تخصصی مربوط به تولید و تجارت محصولات کشاورزی از واردات نهاده، تا تامین مالی، تولید داخلی و صادرات در اختیار یک دستگاه قرار داده شود. گویا فراموش شده است که در انتهای سال گذشته با طرح مشکلات مربوط به ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در کشور و چالش‌های ایجاد شده در زمینه فقدان هماهنگی آماری در میزان تولید و واردات این محصولات در کشور، کلیه اختیارات وزارت جهاد کشاورزی به استناد ماده ۱۶ قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و ماده ۱۴۵ قانون پنجم برنامه توسعه در خصوص تعیین نرخ تعرفه، مقدار و زمان واردات مورد نیاز کالاهای گندم، برنج، روغن خام، شکر خام، گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، شیرخشک، ذرت، کنجاله، دانه‌های روغنی، جو، انواع حبوبات و میوه به وزارت صنعت، معدن و تجارت واگذار شد و در ابتدای اردیبهشت سال جاری (تنها چهار ماه قبل) شورای عالی امنیت ملی بر حسب گزارش ستاد تدابیر ویژه اقتصادی و ستاد تنظیم بازار، ضرورت تامین کالاهای اساسی در کشور را برابر واگذاری چنین اختیاراتی دید.

در شرایطی که کشور در تامین کالاهای اساسی مورد نیاز و ذخیره‌سازی مصوب آنها یعنی گندم، برنج، روغن خام، شکر خام، گوشت مرغ، گوشت قرمز، جو، ذرت و کنجاله سویا به ترتیب ۱۰، ۴۵، ۹۰، ۵۰، ۱۰، ۱۰، ۴۰، ۶۰، و ۸۵ درصد وابستگی داشته و واردات این محصولات، که نقش عمده‌ای در قیمت داخلی آنها ایفا می‌کند، به ویژه پس از تشدید تحریم‌های ظالمانه به عنوان یک امر کاملا تخصصی صرفا از حالت فعل خرید یک کالای خارجی و تامین منابع ارزی آن خارج شده و شامل فرآیندهایی چون مدیریت پارکندگی منابع ارزی کشور، مقابله با فقدان منابع ارزی در بسیاری از کشورهای مبدا تامین کالا، مدیریت تامین نوع ارزهای متنوع مورد درخواست طرف‌های خارجی، آشنایی با ملاحظات تحریم در رویه بانک‌ها در گشایش اعتبارات اسنادی، تشویق مجامع وارداتی بخش خصوصی کشور به واردات در شرایطی که آنها علاقه‌ای به تامین کالاهای اساسی به دلایل مختلف ندارد، مقابله با محدودیت‌های مختلف در منابع ریفاینانس خارجی، مدیریت واردات از کشورهایی که اجازه خرید از ذینفع کشورهای دیگر را نمی‌دهند، عدم تمایل بانک‌های خارجی به گشایش خط اعتباری ریفاینانس به واسطه ریسک و تحریم و مسائل متناهی دیگر است، واگذاری امور به وزارت جهاد کشاورزی و انتزاع فعالیت‌های اقتصادی مربوط به کالاهای اساسی قطعا تامین خارجی ارقام حیاتی کشور را دچار اختلال کرده و امنیت غذایی کشور را دچار چالش می‌کند. در شرایط

فعلى بيش از هر چيز تصميم‌سازى‌هاى كلان اقتصادى نيازمند تقسيم‌كار و تجميع توان دستگاہ‌هاى مختلف است و انتزاع مسيرى كاملا معكوس را طى مى‌كند.